

A Critical Analysis of Fiqhi Views on "وَهُمْ صَاغِرُونَ" with Reliance on Ayatollah Khamenei's Interpretive-Fiqhi Comments

Alborz Mohaqeq Garfami *

Master of Quran and Hadith Sciences

Reza HaghPanah

Assistant Professor of the Department of Fiqh and Fundamentals of Law, Razavi University of Islamic Sciences

Abstract

One of the criteria of the Islamic culture is the way Muslims cope with Ahlul Kitab (People of the Book). Verse 29 of Surah At-Tawbah speaks of a type of financial agreement with People of the Book, under which they are required to pay a tax called jizyah. There is a view that the meaning of the phrase "وَهُمْ صَاغِرُونَ" in this verse is to humiliate the People of Dhimmi at the time of paying jizyah. Therefore, behaviors such as standing them up, grabbing their beards, humiliating, and even slapping them in the face have been considered permissible. The present study, using documentary sources and a descriptive-analytical method, has sought to criticize this view. To achieve this goal, after reviewing the concepts of "dhimmi" and "jizyah", in the first step, the possible reasons for the aforementioned view in two areas of understanding the phrase "صَاغِرُونَ" and also deriving from a hadith have been explained. In the next step, these Fiqhi interpretations have been weighed against criteria such as presenting them to the Quran, the linguistic concept of Seghar (minor, small), presenting them to the Sunnah, and being in line with the Islamic moral system. The achievement of the study, based on the view of Ayatollah Khamenei in interpreting verse 29 of Surah At-Tawbah and the related Hadith, is in the invalidity of the aforementioned view and a sound interpretation of the verse. According to this interpretation, undermining and humiliating the people of dhimmi is not compatible with the standards arising from Islamic tenets.

Keywords: Ayatollah Khamenei, dhimmi, jizyah, Fiqh, jurisprudence, interpretation, hadith.

* Email: mohaghegh.gr@gmail.com (Corresponding Author)

تحلیل انتقادی دیدگاه‌های فقهی درباره عبارت «وَهُمْ صَاغِرُونَ» با بهره از اندیشه تفسیری - فقهی آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

| البرز محقق‌گرمی* | کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث
| رضا حق‌پناه | استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی

چکیده

یکی از مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی، نحوه مواجهه مسلمانان با اهل کتاب است. آیه ۲۹ سوره توبه درباره گونه‌ای از قرار داد مالی با اهل کتاب سخن گفته که به موجب آن، وجهی با عنوان جزیه از آنها ستانده می‌شود. دیدگاهی وجود دارد که مراد از عبارت «وَهُمْ صَاغِرُونَ» در این آیه، خوارداشتن اهل ذمه در هنگام پرداخت جزیه است. از همین رو، رفتارهایی چون سرپا نگهداشتن، گرفتن ریش، تحقیر و حتی سیلی‌زدن به صورت ایشان مجاز شمرده شده است. پژوهش حاضر با بهره از منابع اسنادی و به روش توصیفی - تحلیلی در پی نقد این دیدگاه برآمده است. برای دستیابی به این منظور پس از بررسی اصطلاحی مفاهیم «اهل ذمه» و «جزیه»، در گام نخست به تبیین دلایل احتمالی دیدگاه پیش‌گفته در دو حوزه فهم از عبارت «وَهُمْ صَاغِرُونَ» و نیز استظهار از یک روایت پرداخته شده است. در گام پسین، این برداشت‌های فقهی با سنجه‌هایی چون عرضه به قرآن، مفهوم‌شناسی لغوی صغار، عرضه به سنت و تطابق با نظام اخلاق اسلامی ترازیده شده است. دستاورد پژوهش با تکیه بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در برداشت از آیه ۲۹ سوره توبه و روایت مربوطه، در بی‌اعتباری دیدگاه پیش‌گفته و تفسیری استوار از آیه سامان یافته است. براساس این تفسیر، تحقیر و تذلیل اهل ذمه با موازین برآمده از آموزه‌های اسلامی سازگار نیست.

واژگان کلیدی: آیت‌الله خامنه‌ای، اهل ذمه، جزیه، صاغرون، فقه، تفسیر، حدیث.

مقدمه

قرآن کریم به جهت اهمیتی که برای رساندن جامعه اسلامی به اهداف عالی در نظر دارد، بایسته‌های روابط میان مسلمانان و غیرمسلمانان را بیان کرده است. موضوعاتی چون روابط اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی، دینی، نظامی و قضایی در همین خصوص قابل ارزیابی هستند. یکی از موضوعات چالش‌انگیز در رابطه با اهل کتاب، چگونگی رفتار با اهل کتاب در قامت اقلیتی مذهبی است. در همین زمینه، مبلغی با عنوان «جزیه» در اسلام بیان شده که در قبال پذیرش اهل کتاب به‌عنوان شهروندان جامعه اسلامی و برخورداری از خدمات اجتماعی تعیین شده است. در قرآن مجید، آیه «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» (توبه، ۲۹) بیانگر حکم فقهی دریافت جزیه از اهل کتاب است. آیت‌الله خامنه‌ای این آیه را سرآغاز دسته‌ای از آیات می‌داند که بیانگر موضع‌گیری مسلمانان در برابر اهل کتاب می‌باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۸۹). دانشوران مسلمان درباره این آیه دیدگاه‌های گوناگونی مطرح نموده‌اند که براساس برخی از آن‌ها، بایسته است تا در هنگامه دریافت جزیه از اهل کتاب، کنش‌های تحقیرآمیزی را با آنان روا داشت. رویکرد تفسیری به آیه در کنار استظهار از یک روایت (ن.ک: کلینی، ۱۴۲۹: ۱۹۹/۲۷)، سبب شکل‌گیری این دیدگاه شده است.

برخی از ناآگاهان و معارضان اسلام نیز گمان برده‌اند که حکم جزیه، گونه‌ای از برتری‌جویی و استعمار اقلیت‌های مذهبی است که اسلام از آن سود می‌جوید (ر.ک: سها، ۱۳۹۳: ۶۰۶-۶۰۷). شوربختانه دیدگاه ناستوار برخی دانشوران مسلمان درباره نحوه رفتار با اهل ذمه در هنگامه دریافت جزیه - که معمولاً بر تفاسیری ناستوار از آیه ۲۹ سوره توبه استوار می‌باشد- در شکل‌گیری این دیدگاه بی‌اثر نبوده است.

آیت‌الله خامنه‌ای تفسیر سوره توبه را از اوایل سال ۱۳۵۱ تا بهمن‌ماه همان سال در مدرسه علمیه میرزاجعفر، مسجد کرامت و مسجد قبله مشهد مقدس ایراد کردند (ن.ک: خامنه‌ای، ۱۳۹۶: «و»). ایشان در قامت متفکری مسلمان در دوران پیش از انقلاب اسلامی، تفسیری ویژه از آیه ۲۹ سوره توبه و روایت موردنظر ارائه داده‌اند که با رویکرد پیش‌گفته تفاوت‌هایی دارد. توجه به این نکته سزامند است که نظرات ایشان مربوط به دوران مبارزه و برهه‌ای است که هنوز حکومت اسلامی سامان نیافته بود. با این حال، معظم‌له با دقت نظر به روابط مسلمانان با پیروان ادیان آسمانی براساس شالوه‌های اسلامی، توجه خاصی داشتند.

پژوهش حاضر با درک جان‌مایه تفسیر ایشان، در پی بازخوانی دیدگاه دانشوران اسلامی و نیز یافتن رویکردها و دلایل آن‌ها در مواجهه با این موضوع است. برای این منظور، پس از تعریف مفاهیم بنیادین پژوهش، به معناشناسی عبارت «وَهُمْ صَاغِرُونَ» نزد مفسران و فقیهان مسلمان پرداخته شده و در گام پسین، دیدگاه مبتنی بر خوارانگاری اهل کتاب را به بررسی و نقد گذارده است.

۱- پیشینه

در تراث گران‌سنگ اسلامی، در دانش‌های تفسیر، حدیث و فقه از احکام روابط با اهل کتاب قوانین وجود دارد. در مباحث تفسیری ذیل آیه ۲۹ سوره توبه در مورد جزیه و احکام آن سخن رفته است. مجموعه‌ای از احادیث نیز پیرامون کیفیت رابطه اقتصادی با اهل کتاب و میزان جزیه آن‌ها توسط حدیث پژوهان، گرد آمده که در باب‌هایی با عناوین ذیل سامان یافته است: «قَبَالَةَ أَرْضِي أَهْلِ الذَّمَّةِ وَ جَزِيَّةَ رُؤُوسِهِمْ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۰/۳۹۷)؛ «الْخَرَاجُ وَالْجَزِيَّةُ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۲/۴۸)؛ «مِقْدَارُ الْجَزِيَّةِ» (طوسی، ۱۴۰۷: ۴/۱۳۷) و «تَقْدِيرُ الْجَزِيَّةِ وَ مَا تُوضَعُ عَلَيْهِ وَ قَدْرُ الْخَرَاجِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵/۱۴۹). نگاشته‌های فقهی معمولاً در انتهای کتاب جهاد و پیش از بحث از امر به معروف و نهی از منکر از احکام اهل ذمه سخن گفته‌اند. پژوهش‌هایی نیز به‌گونه مستقل به موضوع جزیه و روابط اقتصادی با اهل کتاب پرداخته‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: کتاب «العلاقات الاسلامیه بین المسلمین و غیر المسلمین فی الشریعه الاسلامیه و اليهودیه و المسيحیه» (۱۹۸۴م) به قلم بدران ابوالعینین به بررسی تطبیقی موضوعاتی چون نکاح، وقف، شهادت دادن، وصیت، ارث و ... در ادیان آسمانی پرداخته و بخشی را به بیان احکام جزیه اختصاص داده است. کتاب «حقوق اقلیت‌ها؛ براساس قانون قرار داد ذمه» (۱۳۶۲) به قلم استاد عباسعلی عمید زنجانی نیز فصلی را به روابط اقتصادی با اهل کتاب ویژه داشته و ذیل آن از احکام جزیه سخن گفته است. موسی احمدی نیز در کتاب «حقوق اقلیت‌ها و چگونگی روابط مسلمانان با آنان در قرن کریم» (۱۳۸۳) همین روند را در پیش گرفته است. محمد ضیاء‌الدین ال‌ریس نیز در کتاب «الخراج و النظم المالیه للدوله الاسلامیه» (۱۹۶۹م) ضمن بررسی در آمد حکومت‌های اسلامی تا دوره نخستین عباسی، به بررسی درآمدهای آنان از طریق اهل کتاب نیز پرداخته است.

در میان این نگاشته‌ها، کتاب «جزیه و احکام آن در فقه اسلامی» (۱۳۷۴) به کوشش علی‌اکبر کلانتری با بررسی فروع مربوط به جزیه و روابط با اهل ذمه، کوششی قابل‌تقدیر در این موضوع را فراهم آورده و در پایان بر این باور است که حکم جزیه با رعایت ضوابطی در وضعیت کنونی ارتباط مسلمانان با اهل کتاب نیز قابل‌اجرا می‌باشد. روح‌الله شریعتی نیز در کتاب «حقوق و وظایف

غیرمسلمانان در جامعه اسلامی» (۱۳۸۱)، در تبیین حقوق اهل کتاب و انواع قراردادهای مسلمانان با آن‌ها چون قرارداد ذمه، قرارداد تابعیت و پیمان تلاشی ستودنی نموده است.

حسب جست‌وجوی نگارنده، مقالات ذیل نیز پیوندهایی با موضوع جستار حضور دارند:

در مقاله «اهل کتاب و اخذ جزیه از آنان» (۱۳۸۵) به قلم علیرضا صابریان، پس از تعریف اصطلاحی واژه جزیه، درباره قرار داشتن مجوسیان و صابنان در شمار اهل کتاب، مباحثی مطرح شده است. در مقاله «تأملاتی در همگرایی و واگرایی با اهل کتاب در قرآن و سیره رسول خدا (ص.)» (۱۳۹۶) به کوشش اصغر قائدان و فاطمه معتمدلنگرودی با مبنا قرار دادن افراز اهل کتاب به دو دسته مؤمن و کافر، کوشیده شده تا نمونه‌هایی از ارتباط مشترک با مؤمنان اهل کتاب با هدف در امان ماندن مسلمانان از آسیب‌های ناشی از تقابل با آن‌ها تبیین شود. هادی قربان‌یاری در مقاله «رویکرد عدالت‌محور و اخلاق‌مدار احادیث فقهی شیعه نسبت به اهل کتاب» (۱۳۹۸) کوشیده است تا با تبیین دو مؤلفه عدالت‌محوری و اخلاق‌مداری احکام فقهی مرتبط با غیرمسلمانان، هدف تقریبی اسلام در تعامل با اهل کتاب را آشکار سازد. یحیی صباغی نیز در مقاله «بازخوانی تفسیری جزیه اهل کتاب در آیه ۲۹ سوره توبه» (۱۳۹۹) بر این باور است که جزیه مربوط به گروهی از اهل کتاب است که شرایط ایمانی را دارا نیستند. در مقاله «بررسی حقوق اقلیت‌های دینی و جزیه در قرآن» (۱۳۹۲) به کوشش حسین خاک‌پور و الهام‌السادات حسینی نیز کوشیده شده تا رویکرد صلح‌جویانه اسلام در مواجهه با اهل کتاب بیان شود و قرار داد ذمه، عاملی برای ایجاد پیوند معنوی عمیق آنان با مسلمانان معرفی گردد. مقاله «تحلیل انتقادی برداشت مفسران و فقیهان از عبارت «عن یدٍ و هم صاغرون» و برگردان آن در ترجمه‌های فارسی» (۱۴۰۱) به کوشش رامین طیار نژاد و قاسم فائز، شبکه معنایی مشتقات مفهوم صغار را در آیات قرآن کاویده و با تبیین آیات و روایاتی چند، مفهوم تذلیل اهل کتاب را با عطفوت اسلامی ناسازگار دانسته (طیاری نژاد و فائز، ۱۴۰۱: ۱۲۸-۱۲۹) و ترجمه‌ای متناسب با محتوای آیه و سنت اسلامی ارائه نموده است.

با وجود همه این تلاش‌های درخور تحسین، پژوهشی یافت نمی‌شود که احکام فقهی مربوط به چگونگی رفتار با اهل کتاب را در هنگام پرداخت جزیه با تحلیلی انتقادی کاویده باشد. ویژگی پژوهش حاضر این است که با مراجعه به منابع گوناگون تفسیری و فقهی به دیدگاهی از منظر برخی دانشوران مسلمان دست یافته است که براساس آن، خوار داشتن اهل کتاب برای پرداخت جزیه روا خواهد بود. در گام بعدی پژوهش، ناستوار بودن این دیدگاه با بهره از سنجه‌های مقبول به اثبات رسیده است. توجه به دیدگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، سرچشمه ایجاد پرسش بنیادین پژوهش و پی‌ریز رنگ شکل‌گیری آن بوده است.

۲- مفاهیم بنیادی

پیش از آغاز تحلیل دیدگاه‌های دانشوران مسلمانان درباره آیه ۲۹ سوره توبه، بایسته است دو مفهوم پر بسامد در این نوشتار یعنی «اهل ذمه» و «جزیه» از نظر لغوی و اصطلاحی به آشکاری تعریف گردند.

۲-۱- اهل ذمه

ذمه در لغت از ریشه ذم به معنای عهد، عقد، کفالت، امان، سرزنش کردن و ضمان آمده است (ابن درید، ۱۹۸۸: ۱/۱۱۸؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۱۴/۲۹۹؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۵/۱۹۲۶؛ ابن سیده، ۱۴۲۱: ۱۰/۵۸؛ ازدی، ۱۳۸۷: ۲/۴۹۰). عهد و پیمان را از آن رو ذمام گویند که آدمی به سبب زیر پا گذاشتن آن سرزنش می‌شود (صاحب، ۱۴۱۴: ۱۰/۶۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۱). آیت‌الله خامنه‌ای بر این باور است که ذمه هر آن چیزی که انسان بدان ملتزم شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۲۱). عبارت «اهل ذمه» در اصطلاح فقهی به گروهی از اهل کتاب گفته می‌شود که به واسطه پیمان با مسلمین در پناه حکومت اسلامی قرار گرفته و جانشان در امنیت قرار می‌گیرد (ن.ک: هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۸۲: ۱/۷۳۲). در مقابل هم شرائط و تعهدات خاصی را می‌پذیرند. توضیح اینکه، اهل کتاب در مواجهه با اسلام، سه رویکرد بر می‌گزینند: پذیرش اسلام؛ جنگ با مسلمانان و پذیرش پیمان. اهل ذمه گروهی هستند که پیمانی ویژه با مسلمانان را می‌پذیرند تا در برابر پرداخت مالی، حکومت اسلامی، متعهد به انجام وظایفی در برابر آن‌ها شود.

براساس آنچه از ادله شرعی به دست می‌آید، دو وظیفه بنیادین اهل ذمه عبارت است از: پرداخت جزیه به دولت اسلامی و پذیرش احکام اسلامی. برخی فقیهان وظایف ذیل را نیز برعهده اهل ذمه می‌دانند: التزام به عدم توطئه علیه حکومت اسلامی، عدم آزار رساندن به مسلمانان، تظاهر نکردن به منکرات اسلامی و بنا نکردن ساختمان‌های عبادی ویژه دین خودشان (ن.ک: فاضل مقداد، ۱۳۷۳: ۱/۳۶۳؛ عراقی، ۱۴۱۴: ۴/۳۴۹-۳۵۲؛ روحانی، ۱۴۲۹: ۱۹/۷۸-۸۴؛ مشکینی، ۱۳۹۲: ۱/۲۷۳؛ ترحینی‌عاملی، ۱۳۸۵: ۳/۶۳۶-۶۳۷؛ عمیدزنجانی، ۱۳۶۲: ۸۶). به نظر می‌رسد که این موارد همگی مصادیق دومین وظیفه اهل ذمه یعنی پایبندی به احکام حوزه اجتماعی اسلام باشد. حکومت اسلامی نیز وظیفه دارد که حمایت‌هایی از ایشان به عمل آورد که عبارت‌اند از: مانند آزاد گذاشتن ایشان در باورها و مناسک دینی شخصی، پاسداری از امنیت مالی و جانی، حفظ امنیت آنان در هنگامه بروز جنگ‌ها و عدم واداشتن ایشان به شرکت در جنگ‌ها (ر.ک: هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۸۴: ۹/۵۲۴ و ۱۰/۶۸۴).

بنا بر گزارش‌های معتبر تاریخی، یهودیان و مسیحیان به جاسوسی، کارشکنی‌های مقطعی و کمک‌های مالی به مشرکان و دشمنان اسلام می‌پرداختند (ن.ک: جوادی‌آملی، ۱۳۹۳: ۳۳/۴۷۸). گاهی نیز به مقابله و رویارویی مستقیم با مسلمانان روی می‌آوردند. از همین رورسول خدا (ص) پیش از آغاز مقابله با رومیان، قوانین مربوط به اهل ذمه را تبیین فرمودند. برخی اهداف اسلام از انعقاد قرارداد ذمه عبارت‌اند از: گستراندن دعوت اسلام به اهل کتاب از طریق همجواری ایشان با مسلمانان و مشاهده محاسن اسلام؛ اصلاح عقاید و اخلاق اهل کتاب از طریق هم‌زیستی با مسلمانان؛ تقویت روحیه همبستگی اجتماعی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بین شهروندان یک جامعه؛ پاسداری از حقوق اقلیت‌ها؛ جلوگیری از نفوذ بیگانگان و دشمنان به حریم سرزمین اسلامی (عمیدزنجانی، ۱۳۶۲: ۵۷؛ شریعتی، ۱۳۸۱: ۷۳؛ سرخسی، ۱۴۱۴: ۱۰/۷۷؛ ماوردی، بی‌تا: ۲۳۳).

۲-۲- جزیه

لغت پژوهان واژه جزیه را مصدر ثلاثی مجرد از ریشه جزی به معنای کافی بودن، راضی بودن، در مقابل قرار داشتن، حکم کردن، کیفر و خراج آمده است (صاحب، ۱۴۱۴: ۷/۱۵۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۹۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴/۱۴۳؛ ابن سیده، ۱۴۲۱: ۷/۴۹۹؛ زمخشری، ۱۹۷۹: ۹۳؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۱۱/۱۰۱؛ ماوردی، بی‌تا: ۲۳۳). برخی براین باورند که جزیه معرب واژه گزیت است که در پارسی به معنای خراج می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۲/۱۹۱۴۸؛ زمخشری، ۱۳۸۶: ۴۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۵/۲۷۱).

در اصطلاح دانش فقه، مالی است که در مقابل حفظ جان و مال و نیز برقراری امنیت اهل کتاب ساکن سرزمین‌های اسلامی براساس قراردادی از مردان اهل کتاب دریافت می‌شود (رک: مفید، ۱۴۱۰: ۲۶۹؛ قطب‌راوندی، ۱۴۰۵: ۱/۲۵۵؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۱/۳۸۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۹/۲۷۵؛ نجفی، ۱۹۸۱: ۲۱/۲۲۷؛ روحانی، ۱۴۲۹: ۱۹/۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۷/۳۵۵؛ قربانی، ۱۳۹۵: ۵۱۰؛ سرخسی، ۱۴۱۴: ۱۰/۷۷؛ رضا، ۱۴۱۴: ۱/۲۹؛ درویش، ۱۴۱۵: ۴/۸۴). بنا بر نظریه مشهور، مراد از اهل کتاب تنها سه گروه یهودیان، مسیحیان و مجوسیان هستند (ر.ک: قطب‌راوندی، ۱۴۰۵: ۱/۳۴۳؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸: ۸/۳۶؛ نجفی، ۱۹۸۱: ۲۱/۲۲۷).

برخی بر این باورند که در صدر اسلام جزیه به معنای عمومی مالیات به کار می‌رفته است که درآمد حاصل از زمین را هم دربر می‌گرفت. اما پس از فتوحات خلیفه دوم، کلمه خراج به مالیات زمین منصرف شد و برای مالیات سرانه کلمه جزیه به کار گرفته شد (الریس، ۱۳۷۳: ۱۲۶). باین حال، جواز کاربست این دو واژه به جای هم، همچنان باقی است (الریس، ۱۳۷۳: ۱۲۶). به نظر می‌رسد که در نظر

داشتن قدرت حاکم اسلامی در حوزه میزان جزیه، اختلاف در تعیین آن برحسب افراد یا مالکیت بر زمین، گونه‌ای نزاع لفظی خواهد بود که ثمری در حکم نحوه ستاندن آن نخواهد داشت.

۳- دیدگاه فقهی مبتنی بر خوار داشتن اهل کتاب در هنگام دریافت جزیه

همان‌گونه که گفته شد، دیدگاهی در میان برخی دانشوران مسلمان وجود دارد که به موجب آن، خوار داشتن اهل کتاب در هنگام دریافت جزیه از ایشان، روا خواهد بود. مهم‌ترین دلیل باور به این دیدگاه، تفسیری ویژه از آیه «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» (توبه: ۲۹) بوده است.

قرآن‌پژوهان بر این باورند که این آیه در سال نهم هجرت پیش از جنگ با رومیان و غزوه تبوک نازل شده است (ن.ک: طبرسی، ۱۳۷۳: ۷۴/۵؛ محقق، ۱۳۶۱: ۴۰۹؛ طبری، ۱۴۱۲: ۷۷/۱۰؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۱۱۶/۴؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۱۷۴/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۴۰۳/۳). آیت‌الله خامنه‌ای در تحلیلی تاریخی بر این باور است که گسترش دعوت اسلام پس از صلح حدیبیه در سال نهم هجرت و عزم رسول خدا (ص) بر حرکت به سوی روم، سبب شد تا برخی دشمنان در جامعه داخلی، حرکت‌هایی علیه اسلام شروع کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۰۳). همین امر منجر شد تا با وجود موقعیت جدید، تاکتیک جدیدی توسط پیامبر (ص) اتخاذ شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۰۴). از سوی دیگر به نظر می‌رسد که قرارداد با اهل ذمه، بیانگر روا داشتن گونه‌ای تمایز میان اهل کتاب ساکن قلمرو اسلام با اهل کتاب خارج از مرزهای اسلامی در برهه‌ای است که مسلمانان برای مقابله با دشمنان رومی مسیحی خود، آماده می‌شدند.

گونه‌ای استظهار از دو عبارت «عَنْ يَدٍ» و «وَهُمْ صَاغِرُونَ» در این آیه شریفه، بنیان‌های این دیدگاه را تشکیل می‌دهند. همچنین برداشت از یک روایت نیز به تقویت این رویکرد، منجر شده است. از این رو بایسته است تا نظریه دانشوران باورمند به این رویکرد درباره دو فراز پیش‌گفته و حدیث موردنظر به دقت بررسی شود.

۳-۱- تحلیلی درباره عبارت «عَنْ يَدٍ»

برداشت از عبارت «عَنْ يَدٍ» در فراز «حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» در فهم مجموعی آیه ۲۹ سوره توبه و تعیین حکم فقهی رفتار با اهل کتاب نقش‌آفرین خواهد بود. کسانی درباره این عبارت تا ۱۵ احتمال برشمرده‌اند (ن.ک: ابن عربی، ۱۴۰۸: ۹۲۳/۲). در دیدگاهی مراد از این عبارت، پرداخت نقدی آن است (ن.ک: خازن، ۱۴۱۵: ۳۵۰/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۳: ۳۴/۵؛ روحانی، ۱۴۲۹: ۸۴/۱۹؛ ترحینی‌عاملی، ۱۳۸۵: ۶۳۹/۳؛ قرائتی، ۱۳۹۰: ۴۰۵/۳). برخی

دیگر نیز بر این باورند که اهل کتاب باید با دست خودشان، جزیه را تسلیم کنند و واسطه‌ای برای پرداخت آن نفرستند (طبرسی، ۱۳۷۳: ۳۴/۵؛ فاضل جواد، ۱۳۶۵: ۱۳۶۵/۲؛ نجفی، ۱۹۸۱: ۲۱/۲۴۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۱۵/۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۶۸/۱۰). کسانی نیز معنای عبارت «عَنْ يَدٍ» را این دانسته‌اند که باید اهل کتاب، جزیه را نعمتی از سوی مسلمانان برای خود بدانند (قطب‌راوندی، ۱۴۰۵: ۱/۲۵۶؛ مؤمن‌قمی، ۱۴۱۵: ۱۴۵). برخی نیز مراد از این عبارت را اعتراف اهل کتاب به این نکته دانسته‌اند که دست مسلمانان بالای دست آن‌ها قرار دارد (واحدی، ۱۴۳۴: ۱۰/۳۶۳؛ طیبی، ۱۴۳۴: ۷/۲۲۱).

در برداشتی دقیق‌تر این نظر وجود دارد که عبارت «عَنْ يَدٍ» در این آیه در دو معنا محتمل است: (۱) در مورد پرداخت‌کننده جزیه؛ (۲) در مورد دریافت‌کننده آن. در حالت نخست یا به معنای پذیرش و انقیاد خواهد بود یا به معنای پرداخت نقدی. همچنین در احتمال اینکه مربوط به گیرنده باشد؛ مفهوم آن چنین خواهد بود که اهل ذمه به سبب قدرت مسلمانان، به آنان جزیه بپردازند (ن.ک: قطب‌راوندی، ۱۴۰۵: ۱/۲۵۵؛ صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶: ۱۳/۲۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/۳۶۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳/۷۸؛ ماوردی، بی‌تا: ۲۲۳).

با وجود این دیدگاه‌ها به نظر می‌رسد که عبارت «عَنْ يَدٍ» به معنای تمکن و قدرت مالی اهل کتاب در پرداخت جزیه به گونه‌ای است که با امکانات مالی آن‌ها متناسب باشد (ر.ک: عمیدزنجانی، ۱۳۶۲: ۱۰۱؛ کلاتری، ۱۳۷۴: ۱۷۱؛ سبحانی، ۱۴۴۰: ۳۰/۴۱۷). در آیات دیگری از قرآن نیز واژه ید یا مشتقات آن به معنای توانمندی به کار رفته است. از جمله آیات ذیل: «قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ» (توبه: ۱۴) و «وَ اذْكُرْ عِبَادَنَا اِبراهيمَ وَ اسحاقَ وَ يعقوبَ اولي الأيدي وَ الأبصار» (ص، ۴۵). قرینه دیگر بر این برداشت آن است که اعطای جزیه به معنای قبول پرداخت جزیه و ملتزم شدن به آن است، نه پرداخت فعلی آن در همان حال. این التزام، بدان جهت است که به واسطه پذیرش پرداخت جزیه از سوی اهل کتاب، نزاع آن‌ها با مسلمانان پایان می‌یابد نه لزوماً در هنگام پرداخت آن. آیت‌الله خامنه‌ای نیز در تحلیلی درباره عبارت «عَنْ يَدٍ» بر این باور است که اهل کتاب باید به اندازه استطاعت و قدرت خویش به مسلمانان جزیه بدهند، نه کم‌تر و نه بیش‌تر (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۹۳).

به نظر می‌رسد دیدگاهی که مفهوم عبارت «عَنْ يَدٍ» را پرداخت نقدی جزیه دانسته است، این عبارت را با مفهوم عبارت «بِأَيْدِيهِمْ» یکسان انگاشته است. همچنین عبارت «يَدًا بِيَدٍ» با این برداشت سازگار است، نه عبارت «عَنْ يَدٍ». نیک روشن است که به سبب استفاده از حرف جرّ «عَنْ» و مفرد آمدن واژه «يد» مناسب است که مفهوم مندرج در عبارت «عَنْ يَدٍ» را به معنای این دانست که حاکم جامعه اسلامی- یا نماینده وی- میزانی از جزیه را که متناسب با توانمندی مالی اهل کتاب

است در نظر می‌گیرد و آنان نیز خود را ملتزم به پرداخت آن می‌کنند. از دیگر سو، در مباحث فقهی، پرداخت جزیه به حضور مباحثی اهل کتاب در مرکز حکومت اسلامی، مشروط نشده است. براساس آنچه در بخش ۴-۱ خواهد آمد، حکم جزیه برای نمایان کردن قدرت اسلام در مواجهه با مخالفان جعل شده و این حکم در حالتی جریان می‌یابد که مخالفان، خود به پذیرش مقامی کهنتر رضایت داده‌اند. پس نمی‌توان مواردی چون حضور اجباری در محل دریافت جزیه را شرطی برای پرداخت آن دانست.

۳-۲- برداشتی از عبارت «وَهُم صَاغِرُونَ»

گونه‌ای برداشت از مفهوم مندرج در واژه «صَاغِرُونَ» و یافتن مصادیق آن سبب شده تا دیدگاه مبتنی بر خوار انگاشتن اهل ذمه در هنگام پرداخت جزیه تقویت شود. برخی معتقدند این عبارت، تنها بیانگر عموم پرداخت جزیه توسط اهل کتاب است (واحدی، ۱۴۳۴: ۱۰/۳۶۴؛ نظام‌الاعرج، ۱۴۱۶: ۳/۴۵۴). این دیدگاه نیز وجود دارد که به موجب این آیه، باید به گونه‌ای با اهل ذمه رفتار شود که احساس کنند شهروند درجه دوم هستند (سایت مدرسه فقهات، درس خارج فقه استاد علیرضا اعرافی، ۱۳۹۸/۹/۱۰) کسانی دیگر، آن را به نحو مطلق به معنای ذلیل و حقیر دانسته (محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۳/۴۵۷؛ ابن عباس، بی‌تا: ۱۵۶؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۰/۷۷) و هر عملی را که موجب ایجاد این حالت در اهل ذمه و تحقیر آنان شود، جایز انگاشته‌اند (شیبانی، ۱۴۱۳: ۳/۲۶-۲۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/۳۶۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴/۱۷) تا به برتری مسلمانان اعتراف کنند (طبرانی، ۲۰۰۸: ۳/۳۰۴).

برخی بر این باورند که مراد از صَاغِرُونَ، یعنی پرداخت‌کننده جزیه در هنگام پرداخت ایستاده باشد و دریافت‌کننده آن نشسته باشد (طوسی، بی‌تا: ۳/۲۰۵؛ قطب راوندی، ۱۴۰۵: ۱/۲۵۵؛ مجلسی، ۱۳۶۳: ۱۶/۱۱۹؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۰/۷۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۵/۳۰؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۲/۳۳۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳/۲۲۸؛ کیه‌راسی، ۱۴۲۲: ۴/۱۹۰؛ پانی‌پتی، ۱۴۱۲: ۴/۱۷۹). در منابع عامه این برداشت به روایتی منقول از عکرمه به شکل ذیل مستند شده است: «تَأْخُذُهَا وَ أَنْتَ جَالِسٌ وَ هُوَ قَائِمٌ» (طبری، ۱۴۱۲: ۱۰/۷۷). این حالت بیانگر استعلاء مومنان بر کفار است و سبب ایجاد خشوع و خواری در اهل ذمه می‌شود (قطب‌راوندی، ۱۴۰۵: ۱/۲۵۶). کسانی از عامه از ابن عباس نقل کرده‌اند که وی واژه «صَاغِرُونَ» را به معنای همراه کردن مقدار جزیه توسط اهل کتاب و پیاده روان شدن برای پرداخت آن دانسته است (ن.ک: طیبی، ۱۴۳۴: ۷/۲۲۲ ابن عربی، ۱۴۰۸: ۲/۹۲۳؛ واحدی، ۱۴۳۴: ۱۰/۳۶۳).

افزون بر این، کسانی را باور این است که پس از دریافت جزیه از اهل ذمه می‌بایست ضربه‌ای بر پشت گردن او نواخته شود (فاضل مقداد، ۱۳۷۳: ۱/۳۶۳؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۲/۳۳۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲:

۵/ ۳۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۷۸/۳). برخی فقهای زیدیه نیز بر این باورند که در هنگام دریافت جزیه، فرد مسلمان باید مانند پادشاهان بنشیند و در هنگام دریافت آن دست خود را بر گردن ذمی بگذارد؛ درحالی‌که وی در حالت رکوع‌کنندگان قرار دارد. پس از دریافت نیز حاکم با ضربه دست بر پشت ذمی، او را از سوی خود می‌راند (ن.ک: مرتضی، بی تا: ۵۷۶/۱). همچنین این دیدگاه وجود دارد که در هنگام دریافت جزیه باید به اهل کتاب گفته شود که «السوط علی رأسک» (سیوطی، ۲۰۰۷: ۱۴۰). بنا بر برخی دیگر از نگاشته‌های فقهی، در هنگام دریافت جزیه باید ریش جزیه‌دهنده گرفته شده و به «لهزمه» - گوستی که ما بین فک‌ها و گوش قرار دارد- وی ضربه‌ای نواخته شود (ن.ک: مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۶/۶: ۳۱۰؛ شهیدثانی، ۱۴۱۳: ۷۱/۳؛ وجدانی فخر، ۱۳۸۴: ۵/۳۹؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۳۳۵/۲؛ خازن، ۱۴۱۵: ۳۵۰/۲؛ پاتی‌پتی، ۱۴۱۲: ۱۷۹/۴). برخی نیز درباره استحباب یا وجوب این حرکت نیز مباحثی طرح کرده‌اند (ن.ک: علامه‌حلی، ۱۴۱۴: ۳۲۷/۹؛ نظام‌الاعرج، ۱۴۱۶: ۴۵۴/۳).

۳-۳- استناد به روایتی از امام صادق (ع)

دانشوران باورمند به دیدگاه پیش‌گفته، افزون بر برداشتی ویژه از آیه ۲۹ سوره توبه به روایتی نیز استناد نموده‌اند. بنگرید:

تفه الاسلام کلینی روایتی ذیل آیه «حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» (توبه: ۲۹) به شکل ذیل گزارش می‌کند: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَا حَدُّ الْجِزْيَةِ عَلَى أَهْلِ الْكِتَابِ وَ هَلْ عَلَيْهِمْ فِي ذَلِكَ شَيْءٌ مُوَظَّفٌ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَجُوزُوا إِلَيَّ غَيْرِهِ؟ فَقَالَ (ع) ذَلِكَ إِلَى الْإِمَامِ أَنْ يَأْخُذَ مِنْ كُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ مَا شَاءَ عَلَى قَدْرِ مَالِهِ بِمَا يُطِيقُ إِنَّمَا هُمْ قَوْمٌ فَدَوُوا أَنْفُسَهُمْ مِنْ أَنْ يُسْتَعْبَدُوا أَوْ يُقْتَلُوا فَالْجِزْيَةُ تُؤْخَذُ مِنْهُمْ عَلَى قَدْرِ مَا يُطِيقُونَ لَهُ أَنْ يَأْخُذَهُمْ بِهِ حَتَّى يُسَلِّمُوا فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَالَ "حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ" وَ كَيْفَ يَكُونُ صَاغِرًا وَ هُوَ لَا يَكْتَرِثُ لِمَا يُؤْخَذُ مِنْهُ حَتَّى يَجِدَ ذَلًّا لِمَا أُخِذَ مِنْهُ فَيَأْتِيَهُ لِيَذَلِكَ فَيُسَلِّمُ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۹۹/۷). سند این روایت در تقسیم رباعی حدیث، با توجه به داوری رجالی درباره ابراهیم بن هاشم قمی از گونه حسنه ارزیابی می‌شود. برخی بر این باورند که براساس این روایت، در دریافت جزیه از اهل کتاب باید آن قدر فشار و سخت‌گیری روا داشت که مجبور به پذیرش اسلام شوند (مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶: ۱۵۰/۳؛ فاضل‌جواد، ۱۳۶۵: ۳۴۴/۲).

۴- اعتبارسنجی و نقد این دیدگاه

برای تحلیل انتقادی دیدگاه پیش‌گفته، بایسته است تا استظهار از آیه ۲۹ سوره توبه و روایت موردنظر موشکافی شده و وجه ناستواری آن تبیین شود. برای رسیدن به این هدف، سنجه‌های چون بررسی لغوی مفهوم صغار، عرضه به قرآن، تطابق با احادیث و سیره، میزان موافقت با اصل کرامت انسانی و نیز نسبت‌سنجی با اهداف و روح اسلام معیارهایی برای نقد قرار گرفته‌اند که در ادامه بدان‌ها پرداخته خواهد شد.

۴-۱- مفهوم‌شناسی لغوی صاغرون

واژه صاغر اسم فاعل ریشه صَغَرَ به معنای کاستی، خُرد بودن و کوچکی آمده است (جوهری، ۱۳۷۶: ۷۱۳/۲؛ ابن درید، ۱۹۸۸: ۷۳۹/۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۴۰/۳؛ ۲۹۰). واژه صِغَر در مقابل مفهوم مندرج در واژه کِبَر قرار دارد (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۴۰/۸؛ ۶۰؛ عسکری، ۱۴۰۰: ۲۴۴). آیت‌الله خامنه‌ای بر این باور است که صاغر کسی است که مرتبه پائینی برای خود پذیرفته است که به معنای خواری و مهانت نیست (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۹۴). این برداشت بر دیدگاه‌های لغت‌پژوهان استوار است (ن.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۷۲/۴؛ صاحب، ۱۴۱۶: ۵/۶؛ راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۸۵؛ ابن سیده، ۱۴۲۱: ۵/۶۲۲). گرچه ممکن است که پذیرفتن کوچکی در برخی موارد به خواری او منجر شود. اما نمی‌توان مفهوم پذیرش ذلت را وصفی همیشگی برای مفهوم صغار دانست؛ بلکه ذلت حالتی است که ممکن است نتیجه افزوده برخی ویژگی‌ها به مفهوم صغار باشد. درخور توجه است که مفهوم مخالف با ذلت، مفهوم عزت است و صغر را نمی‌توان لزوماً مخالف عزت دانست.

براساس این تبیین‌های واژه‌شناختی، این دیدگاه شکل گرفته که مراد از صغار در آیه ۲۹ سوره توبه، پذیرش جاری بودن احکام اسلامی درباره اهل کتاب و پایبندی ایشان به احکام اسلامی است (ن.ک: طوسی، ۱۳۸۷: ۳۸/۲؛ همو، ۱۴۰۷: ۵۴۳/۵؛ ابن ادریس حلی، ۱۳۸۷: ۱۸۶/۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۹/۳۷۹؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۳۰۵/۲؛ شهیدثانی، ۱۴۱۰: ۳۹۸/۲؛ اعرجی، ۱۴۱۶: ۱/۳۵۷؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸: ۸/۳۵؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱: ۷/۳۵۴؛ مشکینی، ۱۳۹۲: ۱/۲۷۳؛ هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۷/۵۴؛ ترحینی‌عاملی، ۱۳۸۵: ۳/۶۳۷؛ جوادی‌آملی، ۱۳۹۳: ۳۳/۴۷۹؛ شافعی، ۱۴۱۰: ۲/۱۸۶؛ ماوردی، بی‌تا: ۲۳۳؛ رضا، ۱۴۱۴: ۱۰/۲۹۰؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱۰/۶۸). شدیدترین نوع صغار آن است که به حکمی ملتزم باشد که بدان اعتقاد ندارد و بدان وارد شود (شربینی، ۱۴۲۱: ۴/۳۰۴). همین امر سبب خضوع ایشان در برابر حکومت اسلامی می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹/۲۴۲؛ جوادی‌آملی، ۱۳۹۳: ۳۳/۴۸۰). رهبر گران‌قدر انقلاب بر این باور است که از کلمه «صاغر» نمی‌توان مفهوم ذلت اهل کتاب را بر کشید، بلکه بدین معناست

که ایشان باید درحالی جزیه بدهند که در برابر قانون اسلامی تسلیم و کوچک‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۹۳). از این رو نمی‌توان رفتار خشونت‌آمیز یا توهین به اهل کتاب را از مفهوم این عبارت برکشید. نیک روشن است که مراد از تسلیم در برابر اسلام، التزام اهل کتاب به احکامی است که به جنبه‌های حکومتی و اجتماعی مرتبط می‌باشد، ولی پذیرش احکام عبادی اسلامی برای اهل کتاب لازم نیست. به‌دیگر سخن، صغار در این رویکرد به معنای نفی استقلال جمعی اهل کتاب در جامعه اسلامی است (روحانی، ۱۴۲۹: ۸۴/۱۹). از دیگر سو، بنا بر آنچه در مفهوم‌شناسی واژه «جزیه» گفته شد، قرارداد ذمه بر دو رکن پرداخت جزیه و التزام به احکام اسلام استوار است و تن دادن به ذلت ظاهری در شرایط آن مندرج نیست.

یکی از دانشوران معاصر اهل سنت با برداشتی درخور توجه بر این باور است که در آیه ۲۶ سوره توبه، دو حکم وجود دارد که یکی به سود مسلمانان و دیگری به نفع اهل کتاب می‌باشد. عبارت «عن ید» یعنی به میزان توانگری اهل کتاب از آنان جزیه ستاده شود و عبارت «هم صاغرون» به معنای خضوع در برابر احکام اسلام است که به سود مسلمانان می‌باشد (رضا، ۱۴۱۴: ۲۷۹/۱۰).

۴-۲- عرضه به قرآن

پروردگار متعال به محبت، دوستی و همکاری میان همه آدمیان بدون در نظر داشتن دین یا ملیت ایشان فرمان داده است. برای نمونه در آیه «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه: ۸) به آشکاری از نیکی کردن و عدالت با کسانی سخن می‌رود که اهل درگیری با مسلمانان نیستند. قرآن پژوهان بر این باورند که براساس این آیه، نیکوکاری و رفتار همراه با عدالت به آن دسته از اهل کتاب که سودای جنگ و درگیری با مسلمانان ندارند روا بوده است (ن.ک: طوسی، بی تا: ۵۸۳/۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۹/۲۳۴؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۴/۳۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۵۱۶؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۹/۵۲۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۵/۲۰۶؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۸/۱۳۶) و در مواردی که سبب سود رساندن به انسان یا کشوری شود؛ از نظر فقهی بر عدم ارتباط با آنان رحجان دارد (مغنیه، ۱۴۲۴: ۲/۴۱)؛ چراکه حق مداری و عدالت‌ورزی از بنیان‌های شریعت اسلامی هستند (منتظری، ۱۴۰۹: ۲/۱۸۵؛ صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶: ۲۸/۲۷۹).

آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر این آیه با دسته‌بندی کفار به دو گروه دشمنان علنی و هم‌پیمانان با مسلمانان، تحت فشار قرار دادن کافران هم‌پیمان، دروغ بزرگی است که به اسلام نسبت داده شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۵۲). فقیهان نیز براساس این آیه، برخی اعمال فقهی چون وصیت کردن، صدقه دادن، وقف و صلح‌رحم را در مورد اهل کتاب جایز شمرده‌اند (برای مطالعه بیشتر ر.ک:

فخرالمحققین، ۱۳۷۸: ۲/۳۸۷ و ۴۸۷؛ نجفی، ۱۹۸۱: ۸/۱۳۱ و ۳۶۵؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸: ۱۰/۱۳۸؛ آملی، ۱۳۸۴: ۱۲/۲۰۴؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۲/۵۰، ۱۲۴ و ۲۰۵؛ ترحینی عاملی، ۱۳۸۵: ۶/۶۲).

گستره سترگی از آموزه‌های دینی بر لزوم پایبندی به انصاف و عدالت در عرصه‌های زیست آدمی اشاره دارند. برای نمونه به آیات ذیل بنگرید: «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا» (نحل، ۹۱)؛ «وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۵۸) و «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مائده، ۸). شوکت جامعه اسلامی در قدرت مبانی آن و عملی بودن احکام آن و نیز وجود ضمانت‌های اجرایی روحی و اجتماعی است، نه در کبرورزی و استیلا (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۹۴).

در آیه «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام، ۱۰۸) به آشکاری از بی‌احترامی به مشرکان نهی شده و آثار زیان‌بار بی‌احترامی گوشزد شده است. فقیهان از این آیه، حکم فقهی دشنام دادن به کافران را برکشیده‌اند (ن.ک: مقدس اردبیلی، بی‌تا: ۳۴۰؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۱/۴۸۶؛ یزدی، ۱۳۷۴: ۴/۲۳۸؛ خرازی، ۱۴۲۳: ۶/۱۱۳؛ ابن‌عربی، ۱۴۰۸: ۲/۷۴۳). در آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات، ۱۳) به آشکاری به اصل تساوی در حقوق انسانی تأکید شده است.

باید خاطر نشان کرد که قرآن مجید در مقابل نکوهش گروهی از اهل کتاب (ن.ک: مریم، ۳۸؛ نساء، ۵۴، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۶۰، ۱۶۱ و ۱۷۱؛ توبه، ۳۴؛ حشر، ۵؛ مائده، ۱۳، ۶۴ و ۷۸) به تمجید شماری از یهودیان با اوصافی چون حق‌گرا (مائده، ۶۶ و اعراف، ۱۵۹) و راسخان در علم (نساء، ۱۶۳-۱۶۲) می‌پردازد. همچنین گروهی از مسیحیان را با اوصاف مُحسن (مائده، ۸۵) و پرهیزکننده از استکبار (مائده، ۸۲) یاد نموده است. از این‌رو به حکم قرآن نمی‌توان با اهالی ذمه رفتاری ناشایست در پیش گرفت.

۴-۳- عرضه به حدیث و سیره

با نگاهی به مجموعه اخبار رسیده از معصومان (ع) در نحوه مواجهه با اهل کتاب، می‌توان دریافت که نه تنها رفتار ایشان در قامت رهبران الهی و اجتماعی بر پایه احترام و حفظ ارزش‌های انسانی استوار بوده، بلکه راهبردهایی نیز در این‌باره برای عموم مسلمانان ارائه کرده‌اند. نمونه‌هایی از اصول مندرج در سنت معصومان (ع) در رفتار با غیرمسلمانان را بنگرید:

رسول خدا (ص) درباره چگونگی رفتار با اهل ذمه‌ای که با مسلمانان پیمان دارند فرمودند: «أَلَا مَنْ ظَلَمَ مُعَاهِدًا أَوْ انْتَقَصَهُ أَوْ كَلَّفَهُ فَوْقَ طَاقَتِهِ أَوْ أَخَذَ مِنْهُ شَيْئًا بَغَيْرِ طَيْبِ نَفْسٍ فَأَنَا حَاجِبُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (ابی داود، بی تا: ۱۷۰/۳). بنا بر گزارشی دیگر، رسول خدا (ص) در زنهاری از آزار دادن اهل کتاب چنین فرمودند: «من آذى ذميا فأنا خصمه، و من كنت خصمه خصمته يوم القيامة» (خطیب‌بغدادی، ۱۴۱۷: ۳۶۷/۸). ایشان در برخورد با اهل کتاب چنان رفتار کرد که مخیرق یهودی، بوستان‌های خود را به رسول خدا (ص) بخشید و او را وی خود قرار داد و اسلام را پذیرفت (ن. ک: ابن حیون، ۱۴۰۹: ۱۹۰).

امیرالمؤمنین علی (ع) در هنگام گماشتن یکی از کارگزاران خویش به یکی از مناطق اطراف کوفه به نام بانقیا، فرمودند: در جمع‌آوری خراج کوشا باش و دره‌می از آن را فرو مگذار، مبادا شخصی از مسلمانان، یهودیان و مسیحیان را درباره دره‌می از خراج تنبیه نمایی» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۲۶/۷). در پایان نیز فرمودند: «إِنَّمَا أُمِرْنَا أَنْ نَأْخُذَ مِنْهُمْ الْعَفْوُ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۲۶/۷). همچنین در هنگام انتخاب شخصی برای فرمانداری منطقه بزرج سابور، وی را از بدرفتاری با اهل کتاب زنهاری داده و فرمودند: «وَلَا تُقِمُّ رَجُلًا قَائِمًا فِي طَلَبِ دِرْهَمٍ» (بیهقی، ۱۴۱۴: ۲۰۵/۹). همچنین در هنگامه روان داشتن مالک اشتر برای فرمانداری مصر چنین می‌فرماید: «أَشْعُرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَعْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخْ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۴۲۷). از این روایات به آشکاری می‌توان دریافت که رفتار اهانت‌آمیز با شهروندان جامعه اسلامی و اقلیت‌های دینی، روا نیست.

امیرالمؤمنین (ع) در بخشی از آئین نامه دریافت خراج به کارگزاران خویش چنین فرمود: «مبادا در هنگام دریافت خراج به کسی تازیانه بزیند» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۴۲۵). امام صادق (ع) نیز درباره حرمت دشنام دادن به اهل ذمه، چنین می‌فرماید: «إِذَا قِيلُوا الْحِزْبِيَّةَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ حَرَمَ عَلَيْنَا سَبِّهِمْ وَ حَرَمَتْ أَمْوَالُهُمْ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۶/۱۵). از این روایت می‌توان دریافت که هرگونه عملی که سبب آزار رساندن به اهل ذمه شود، روا نیست.

به گواهی گزارشی تاریخی، سعید بن زید در اعتراض به واداشتن عده‌ای از اهل کتاب به ایستادن در آفتاب برای پرداخت جزیه به حدیث نبوی «مَنْ عَذَّبَ النَّاسَ، عَذَّبَهُ اللَّهُ» استناد کرد (ن. ک: ابویوسف، ۱۳۸۲: ۱۲۵). در گزارشی مشابه، هشام بن حکیم در هنگام برخورد با عده‌ای از مصریان ذمی که برای پرداخت جزیه در آفتاب قرار داشتند، فرمایش نبوی «إِنَّ اللَّهَ يُعَذِّبُ الَّذِينَ يُعَذِّبُونَ النَّاسَ فِي الدُّنْيَا» را مخالف این روش دانست (طبرانی، ۱۴۱۵: ۱۷۱/۲۲).

براساس برخی گزارش‌های تاریخی، نیک‌رفتاری مسلمانان با اهل کتاب تا بدانجا بود که یهودیان اهل خبیر به سبب دقت نظر، انصاف و عدالت عبدالله بن رواحه در دریافت جزیه می‌گفتند: «بِهَذَا قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ» (ابن هشام، ۱۴۱۱: ۳۲۷/۴؛ ابن کثیر، ۱۳۹۵: ۳/۳۷۸). بنا بر گزارشی دیگر، در زمان خلیفه دوم، ابو عبیده که فرماندهی لشکر اسلام برای مقابله با رومیان را برعهده داشت؛ به سبب ناتوانی دولت اسلامی در حفاظت از اهل کتاب ساکن شام، در نامه‌ای به ایشان، خواستار بازگرداندن جزیه به ایشان گردید که با مخالفت اهل کتاب روبرو شد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: قربانی، ۱۳۹۵: ۵۱۱).

۴-۳-۱- بحثی درباره روایت منقول از امام صادق (ع)

در بخش ۳-۴ گفته شد که روایتی از امام صادق (ع) دست‌مایه باور به خوار انگاشتن اهل کتاب در هنگام پرداخت جزیه قرار گرفته است. به نظر می‌رسد عبارت «لَمَّا يُوْخَذُ مِنْهُ حَتَّى يَجِدَ ذُلًّا» در این روایت، سبب ایجاد این دیدگاه شده است. اما با بهره از قرائن ذیل می‌توان فهمید که مراد از ذلیل کردن در این عبارت، مربوط به جنبه اقتصادی است و به شخصیت اهل کتاب ارتباطی ندارد:

۱. راوی، پرسش خود را با عبارت «ما حد الجزیه» بیان می‌دارد که بیانگر میزان جزیه بر اهل کتاب است.

۲. امام (ع) پاسخ خویش را با عباراتی مانند «مما يطيق» و «ما يطيقون له» بیان داشته‌اند که به کمیّت جزیه مربوط است، نه کیفیت دریافت آن.

۳. در ادامه عبارت‌های پیش‌گفته، غایت میزان دریافت با عبارت «حتى يجد ذللاً لما اخذ منه» بیان شده که در آن احساس ذیل شدن به واسطه چیزی است که از آن‌ها دریافت می‌شود. با بهره از این نشانه‌ها و نشانه‌های دیگر در صحیح زراره، می‌توان دریافت که ذلیل شدن اهل کتاب به واسطه فشار اقتصادی برایشان قابل‌ارزیابی است. برای نمونه در همین روایت، میزان آن در اختیار امام دانسته شده است که به هر مقدار که بخواهد با توجه به توانگری افراد دریافت می‌دارد (ن.ک: کلینی، ۱۴۲۹: ۱۹۹/۷). بنا بر روایتی دیگر نیز امیرالمؤمنین علی (ع) جزیه ثروتمندان را ۴۸ درهم، جزیه افراد متوسط را ۲۴ درهم و جزیه فقیران را ۱۲ درهم تعیین فرمودند (مفید، ۱۴۱۰: ۲۷۲).

با توجه به شأن نزول‌هایی که درباره آیه گفته شده به نظر می‌رسد که جزیه عاملی برای تأمین برخی اهداف اقتصادی جامعه اسلامی بوده و به سبب جبران خسارتی که از ناحیه عدم تجارت مسلمانان با مشرکان بر پیکر اقتصادی جامعه وارد آمد، تشریح گردید. از همین رو برخی مفسران معتقدند که جزیه باید به‌میزانی باشد که پرداخت آن برای کفار سنگین باشد (قرائتی، ۱۳۹۰: ۳/۴۰۵). آیت‌الله

خامنه‌ای باور این است که ذلیل کردن اهل ذمه با روح تعالیم اسلامی و عمل بزرگان اسلام منافات دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۹۴).

درباره دیدگاه مبتنی بر فشار اقتصادی بر اهل کتاب تا نهایت درجه ممکن، این نکته قابل توجه است که گویا عبارت «ما یطیقون» در حدیث مربوطه، به معنای «لا یطیقون» در نظر گرفته شده و به همین سبب گمان برده شده که با اعمال فشار مضاعف اقتصادی بر اهل کتاب می‌توان آنان را وادار به پذیرش اسلام کرد. در حالی که که غرض اسلام از دریافت جزیه، ضعیف کردن اهل کتاب از نظر اقتصادی بود تا نتوانند پشتوانه مالی علیه اسلام فراهم آورند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹/۲۴۲-۲۴۳).

۴-۴- عرضه به نظام اخلاق اسلامی

مساواتی که اسلام بدان پایبند است در سه عرصه ذیل برای تمامی آدمیان جریان دارد: (۱) اصل انسانیت؛ (۲) حقوق و تکالیف و (۳) داوری و اجرای قوانین (قربانی، ۱۳۹۵: ۱۷۲). دین اسلام همه آدمیان را در اصل انسانیت مانند دندان‌های شانه مساوی می‌داند (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۶۸). توجه به کرامت انسانی اهل کتاب را به آشکاری می‌توان از سیره اهل بیت (ع) برکشید. برای نمونه، رسول خدا (ص) در پاسخ به نارضایتی برخی اصحاب درباره حضور ایشان بر جنازه یکی از اهل کتاب فرمودند: «أَلَيْسَتْ نَفْسًا» (بخاری، ۱۴۱۰: ۲/۳۸۷). در نمونه‌ای دیگر حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) به تکدی‌گری پیرمردی مسیحی در جامعه اسلامی چنین واکنش نشان دادند: «اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّى إِذَا كَبِرَ وَعَجَزَ مَنَعْتُمُوهُ أَنْفَقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ» (طوسی، ۱۴۰۷ الف: ۶/۲۹۳). بنا بر روایتی از امام صادق (ع)، امام علی (ع) با یکی از اهالی ذمه هم مسیر شد؛ در هنگام جدا شدن از یکدیگر چند قدمی را با پیمود و وقتی با پرسش آن فرد درباره علت این کار مواجه شد فرمود: «هَذَا مِنْ تَمَامِ حُسْنِ الصُّحْبَةِ أَنْ يُشَيِّعَ الرَّجُلُ صَاحِبَهُ هُنَيْئَةً إِذَا فَارَقَهُ، وَ كَذَلِكَ أَمَرْنَا نَبِيَّنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ» (کلینی، ۱۴۱۹: ۴/۷۶۹). همین نیک رفتاری سبب مسلمان شدن آن شخص شد.

زکریا بن آدم از امام رضا (ع) درباره یکی از فقیران اهل ذمه پرسش نمود که آیا می‌توان برای رهایی از فقر، فرزند خود را بفروشد تا هم مالی به دست آورد و هم فرزندش گرسنه نماند؟ امام (ع) در پاسخ چنین فرمودند: «لَا يُبْتَاعُ حُرٌّ فَإِنَّهُ لَا يَصْلُحُ لَكَ وَ لَا مِنْ أَهْلِ الذَّمَّةِ» (طوسی، ۱۴۰۷ الف: ۷/۷۷). از این‌گونه رفتارها و رهنمودها می‌توان دریافت حفظ کرامت انسانی تا چه میزان برای رهبران بزرگ اسلامی، سترگ بوده است. رعایت کرامت اهل کتاب و پاسداری مسلمانان از حقوق آن‌ها تا حدی بود که پیشنهاد مسلمانان به اهل کتاب ساکن حمص برای بازپس‌گیری جزیه‌شان و انقضای قرارداد ذمه با مخالفت اهل کتاب روبه‌رو شد و دادگستری و پرهیزکاری مسلمانان در رفتار با خود را بر بیدادگری

رومیان هم‌کیش خود ترجیح دادند (زیدان، ۱۳۵۲: ۵۴). برخی فقیهان براساس باور به کرامت زنان ذمی بر حرمت جواز نظر به آنان فتوا داده‌اند (شیرازی، بی‌تا: ۱/۲۳۲).

بنا بر پاره‌ای از روایات، اموال اهل ذمه محترم است (ن.ک: کلینی، ۱۴۲۹: ۹/۳۷۵)؛ پس به طریق اولویت، شخصیت انسانی آنان نیز قابل احترام است. یکی از دانشوران آگاه معاصر در این باره چنین می‌نویسد: «اسلام براساس احترام خاصی که نسبت به پیامبران بزرگ الهی قائل است به فرد یا گروه‌های که مدعی پیروی از این پیامبران عظیم‌الشأن هستند نیز به دیده احترام می‌نگرد» (عمیدزنجانی، ۱۳۶۲: ۷۴). رفتار اهانت‌آمیز با اهل ذمه، با شأن دین الهی، روح تعالیم اسلام و دستوراتی که پیرامون رفتار با اقلیت‌های دینی وجود دارد، مطابقت ندارد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱: ۷/۳۵۴؛ جوادی‌آملی، ۱۳۹۳: ۳۳/۴۸۰). اهانت به اهل کتاب با فرهنگ اسلامی و سیره معصومان سازگار نیست و پیش‌تر به رفتارهای امویان و عباسیان شباهت دارد (ن.ک: خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۹۴؛ منتظری، ۱۴۰۹: ۳/۴۷۰).

اهانت و سخریه با مبانی حکومت اسلامی که بر اخلاق نیکو استوار شده و نمونه‌ای برای جهانیان است سازگار نیست (سبحانی، ۱۴۴۰: ۳۰/۴۱۷). این رفتار مخالف با سکینه و وقار اسلامی خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹/۲۴۲). آئین اسلام بر ملاطفت با شهروندان اهل کتاب و پرهیز از خشونت در برابر آن‌ها تأکید کرده است (کلانتری، ۱۳۷۴: ۲۲۴). آیت‌الله خامنه‌ای نیز بر این باور است که اسلام در پی توسعه معنویت و اخلاق در جامعه است، نه صرف کثرت افراد مسلمان و توسعه مرزهای جغرافیایی (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۹۵). پس نمی‌توان پذیرفت که شارع دستور دهد آن‌قدر از اهل ذمه، جزیه بگیرد تا دچار فشار شده و از سر ناچاری و دردمندی اسلام را بپذیرند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۹۶).

براساس آیه «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ» (توبه، ۶) تأمین امنیت غیرمسلمانانی که قرارداد جزیه را نپذیرفته‌اند تا هنگام خروج از سرزمین اسلامی و رسیدن به منطقه‌ای امن برعهده دولت اسلامی است. پس به طریق اولویت حفظ امنیت شخصی و اجتماعی اهل کتابی که قرارداد ذمه را پذیرفته‌اند نیز وظیفه‌ای بر دوش دولت اسلامی خواهد بود. معظم‌له بر این باور است که این آیه بیانگر اصل اختیار آدمی در انتخاب راه خویش است و حکم پیش‌گفته در آیه، در راستای همین هدف منطبق با فطرت، بیان شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۱۵). میزان رعایت حقوق اقلیت‌های دینی در هر جامعه‌ای، بیانگر مقدار توجه آن حکومت به عدالت اجتماعی و یکسان‌انگاری مردم خواهد بود. از این رو هیچ زمام‌دار خردمندی در پی

نهادینه‌سازی رفتارهای تحقیرآمیز با اقلیت‌ها نیست. با این توصیفات چگونه ممکن است که دینی بر بدرفتاری و اهانت با افرادی حکم کند که در پناه دولت اسلامی می‌زیستند؟!

نکته قابل توجه آن است که جزیه را نمی‌توان مجازاتی در برابر عدم پذیرش اسلام توسط اهل کتاب دانست (روحانی، ۱۴۲۹: ۱۹/۷۹)؛ چراکه پذیرش جزیه جنبه تحمیلی نداشته و بر اصول ذیل بنا نهاده شده است: رضایت و توافق طرفین قرارداد، ناچیز بودن بودن مقدار جزیه و تناسب آنان با امکانات افراد و نیز معاف شدن اهل ذمه از مسئولیت‌های دفاعی، نظامی و مالی که بر دوش سایر مسلمانان قرار دارد. از این نظر، قرارداد جزیه با اصل عدالت اجتماعی در اسلام سازگار است.

سزای یادکرد است که زندگی مسالمت‌آمیز با افراد گوناگون جامعه اقتضا می‌کند که مقررات عادلانه‌ای درباره هر یک از گروه‌های اجتماعی و اقلیت‌ها وجود داشته باشد. حاضر شدن امیرالمؤمنین علی (ع) در دادگاهی که به شکایت یکی از اهل ذمه تشکیل شده بود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴/۳۱۶؛ ابن اثیر، ۱۴۱۵: ۳/۲۶۵)؛ از سویی نمونه‌ای از روح عدالت‌پروری اسلام در مواجهه با همگان است و از سوی دیگر با اصل احترام به شهروندان جامعه اسلامی و حق دادخواهی آزادانه آن‌ها پیوند دارد. از طرفی ذلت شخصی اهل کتاب با جنبه بین‌المللی و حقوقی اسلام سازگار نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۳۳/۴۷۹). شأن شریعت اسلامی، سلطه‌گری نیست؛ بلکه هدف وضع احکام شریعت، تطهیر جان‌ها، انگیزاندن به نیکوکاری و بازداشتن از کز رفتاری است. رسیدن به این اهداف، با رویکردی سیاسی ممکن خواهد بود که شریعت بدان توجه دارد (ن.ک: رضا، ۱۴۱۴: ۱۰/۲۹۳). اسلام برای جذب اهل کتاب باید از رفتار نیکو بهره‌بردار (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۹۴). از همین رو نمی‌توان پذیرفت که با خوار داشتن افراد آن‌ها را به سوی اهداف پیش‌گفته تشویق نماید.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت، دستاوردهای پژوهش حاضر عبارت است از:

۱. براساس برداشتی از آیه ۲۹ سوره توبه، خوار داشتن اهل ذمه در هنگام پرداخت جزیه به مسلمانان روا خواهد بود. این دیدگاه، مفهوم برآمده از عبارت «حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صاغرون» را هم‌ارز با مفهوم تحقیر ایشان دانسته و رفتارهایی چون پیاده آمدن و واداشتن اهل ذمه به ایستادن در هنگام پرداخت جزیه، نواختن ضربه به صورت و پشت ایشان و نیز گرفتن ریش آن‌ها را مصداق‌هایی از ذلیل کردن اهل ذمه شمرده است. این دیدگاه، استظهاری خاص از روایتی از امام صادق (ع) نیز نموده است.
۲. قرآن کریم، به نیکی کردن با گروهی از اهل کتاب که اهل درگیری با مسلمانان نیستند

دستور داده است. همچنین مفاهیم دیگر قرآنی چون نهی از دشنام دادن به دشمنان اسلام، پابندی به پیمان‌ها، عدالت‌ورزی با تمامی مردم، برابری آدمیان در اصل انسانیّت و بیان ویژگی‌های نیک برخی از اهل کتاب، مخالفتی معنادار با دیدگاه مبتنی بر خوارانگاری اهل ذمه دارند.

۳. توجه به احادیث و سیره معصومان (ع) نشان می‌دهد که اهل ذمه صلح‌جو، دارای حقوقی برابر با سایر شهروندان بوده و معصومان (ع) از بی‌احترامی به ایشان نهی کرده‌اند. در دیدگاه مشهور دانشوران مسلمان، عبارت «وَهُمْ صَاغِرُونَ» به معنای التزام اهل ذمه به پذیرش احکام اسلامی است.

نظام اخلاق اسلامی که بر مفاهیمی چون مساوات میان آدمیان، حفظ کرامت انسانی، نیک‌رفتاری در تبلیغ دین، حفظ وقار و تشویق به زندگی مسالمت‌آمیز شهروندان جامعه استوار است، هرگز پذیرای تندخویی و بدرفتاری با شهروندان غیر مسلمانی نیست که در پناه جامعه اسلامی می‌زیند.

پی‌نوشت‌ها

۱. «وَكَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) قَدْ جَعَلَ عَلَى أَغْنِيَانِهِمْ ثَمَانِيَةَ وَ أَرْبَعِينَ دِرْهَمًا وَ عَلَى أَوْسَاطِهِمْ أَرْبَعَةَ وَ عَشْرِينَ دِرْهَمًا وَ جَعَلَ عَلَى فَقَرَائِهِمْ اثْنَيْ عَشَرَ دِرْهَمًا».

منابع

فارسی

١. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
٢. ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم (١٤١٥ق)، الکامل فی التاریخ، چاپ دوم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
٣. ابن‌ادریس، محمد بن احمد (١٣٨٧)، موسوعه ابن‌ادریس الحلّی، قم: دلیل‌ما.
٤. ابن‌بابویه، محمد بن علی (١٤١٣ق)، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه.
٥. ابن‌درید، محمد بن حسن (١٩٨٨م)، جمهر اللغه، بیروت: دارالعلم للملایین.
٦. ابن‌سیده، علی بن اسماعیل (١٤٢١ق)، المحکم و المحيط الاعظم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
٧. ابن‌عاشور، محمد طاهر (١٤٢٠ق)، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسه التاریه العربی.
٨. ابن‌عباس، عبدالله (بی‌جا)، تنویر المقیاس من تفسیر ان‌عباس، تهران: استقلال.
٩. ابن‌عربی، محمد بن عبدالله (١٤٠٨ق)، احکام القرآن، بیروت: دارالجیل.
١٠. ابن‌فارس، احمد بن فارس (١٤٠٤ق)، معجم مقاییس اللغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
١١. ابن‌فهد الحلّی، احمد بن محمد (١٤٠٧ق)، المهدب البارع فی شرح مختصر النافع، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
١٢. ابن‌قدمه، عبدالله بن احمد (١٣٨٨ق)، المغنی، قاهره: مکتبه القاهره.
١٣. ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر (١٣٩٥ق)، السیره النبویه (من البدایه والنهایه لابن‌کثیر)، بیروت: دارالمعرفه.
١٤. ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر (١٤١٩ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
١٥. ابن‌منظور، محمد بن مکرم (١٤١٤ق)، لسان‌العرب، چاپ سوم، بیروت: دارصادر.
١٦. ابن‌هشام، عبدالملک (١٤١١ق)، السیره النبویه لابن‌هشام، بیروت: دار الجیل.
١٧. ابن‌حیون نعمان بن محمد (١٤٠٩ق)، شرح الأخبار فی فضائل الأئمه الأطهار، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
١٨. ابو یوسف، یعقوب بن ابراهیم (١٣٨٢ق)، الخراج، چاپ سوم، قاهره: المکتبه السلفیه.
١٩. ابی‌داود، سلیمان بن اشعث (بی‌تا)، سنن ابی‌داود، صیدا: المکتبه العصریه.
٢٠. ازدی، عبدالله بن محمد (١٣٨٧)، کتاب‌الماء، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
٢١. ازهری، محمد بن احمد (١٤٢١ق)، تهذیب اللغه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٢٢. اعرجی، عبدالمطلب بن محمد (١٤١٦ق)، کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
٢٣. آلوسی، محمود بن عبدالله (١٤١٥ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
٢٤. آملی، محمد تقی (١٣٨٤ق)، مصباح‌الهدی فی شرح العروه الوثقی، بی‌جا، بی‌نا.
٢٥. بخاری، محمد بن اسماعیل (١٤١٠ق)، صحیح البخاری، قاهره: المجلس الاعلی للشنون الاسلامیه. لجنة إحياء كتب السنة.
٢٦. بغوی، حسین بن مسعود (١٤٢٠ق)، تفسیر البغوی المسمى معالم التنزیل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٢٧. بیضاوی، عبدالله بن عمر (١٤١٨ق)، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٢٨. بیهقی، احمد بن حسین (١٤١٤ق)، سنن البیهقی الکبری، مکه المکرمه: مکتبه دار الباز.
٢٩. پانی‌پتی، ثناءالله (١٤١٢ق)، التفسیر المظهری، کویت: مکتبه رشدیّه.
٣٠. ترحینی عاملی، محمد حسن (١٣٨٥)، الزبده الفقهیه فی شرح الروضه البهیّه، قم: دار الفقه للطباعه و النشر.

۳۱. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق)، تفسیر الثعالبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳)، تفسیر تسنیم (جلد سی و سوم)، قم: اسراء.
۳۴. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق)، الصحیح، بیروت: دارالعلم للملایین.
۳۵. حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.
۳۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: آل‌البیته علیهم‌السلام.
۳۷. خازن، علی بن محمد (۱۴۱۵ق)، تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۸. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶)، بیان قرآن؛ تفسیر سوره براءت، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۳۹. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹)، بیان قرآن؛ تفسیر سوره ممتحنه، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۴۰. خرازی، سید محسن (۱۴۲۳ق)، البحوث الهامه فی مکاسب المحرمه، قم: مؤسسه در راه حق.
۴۱. خطیب بغدادی احمد بن علی (۱۴۱۷ق)، تاریخ بغداد، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۲. درویش، محی‌الدین (۱۴۱۵ق)، اعراب القرآن الکریم و بیانه، چاپ چهارم، حمص: الارشاد.
۴۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۴۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.
۴۵. رضا، محمد رشید (۱۴۱۴ق)، تفسیر المنار، بیروت: دارالمعرفه.
۴۶. روحانی، سید محمد صادق (۱۴۲۹ق)، فقه الصادق، قم: منشورات الاجتهاد.
۴۷. رئیس، ضیاء‌الدین (۱۳۷۳)، خراج و نظامهای مالی دولت‌های اسلامی، ترجمه فتحعلی اکبری، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۴۸. زمخشری، محمود بن عمر (۱۹۷۹م)، اساس البلاغه، بیروت: دار صادر.
۴۹. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التأویل، بیروت: دارالکتب العربی.
۵۰. زیدان، جرجی (۱۳۵۲)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
۵۱. سبحانی، جعفر (۱۴۴۰ق)، منیه الطالبین فی تفسیر القرآن المبین (جلد سی ام)، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
۵۲. سبزواری، سیدد عبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، قم: مؤلف.
۵۳. سرخسی، محمد بن احمد (۱۴۱۴ق)، المبسوط، بیروت: دارالمعرفه.
۵۴. سُها (نام مستعار) (۱۳۹۳)، نقد قرآن، بی‌جا، چاپ دوم، بی‌نا.
۵۵. سیوطی، عبدالرحمن (۲۰۰۷م)، الإکلیل فی استنباط التنزیل، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵۶. سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی‌مرعشی نجفی.
۵۷. شافعی، محمد بن ادريس (۱۴۱۰ق)، الأم مع مختصر المزنی، بیروت: دار الفکر.
۵۸. شبیری‌زنجانی، سیدموسی (بی‌تا)، کتاب نکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۵۹. شریینی، محمد بن خطیب (۱۴۲۱ق)، مغنی المحتاج الی معرفه معانی الفاظ المنهاج، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر.
۶۰. شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه (للصیحی صالح)، قم: هجرت.
۶۱. شهیدثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه: مکتبه الداوری.

۶۲. شهیدثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۶۳. صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم‌الکتب.
۶۴. صادقی‌تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، چاپ دوم، قم: فرهنگ اسلامی.
۶۵. طباطبایی‌حائری، سید علی بن محمد علی (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل‌البتی علیهم‌السلام لإحیاء التراث.
۶۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۶۷. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، التفسیر الکبیر، اردن: دارالکتب الثقافی.
۶۸. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵ق)، المعجم الکبیر، قاهره: مکتبه ابن تیمیہ.
۶۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۳)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
۷۰. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
۷۱. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، الخلاف، قم: جامعه مدرسین، «ب».
۷۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: مکتبه المرتضویه.
۷۴. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، «الف».
۷۵. طیارینژاد، رامین و قاسم‌فائز، «تحلیل انتقادی برداشت مفسران و فقیهان از عبارت «عن ید و هم صاغرون» و برگردان آن در ترجمه‌های فارسی»، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، شماره ۱۷، صفحات ۱۱۳-۱۴۲.
۷۶. طیبی، حسین بن عبدالله (۱۴۳۴ق)، فتوح الغیب فی الكشف عن القناع الریب، دبی: جاتزه دبی الدولیه للقرآن الکریم.
۷۷. عراقی، آقا ضیاء‌الدین (۱۴۱۴ق)، شرح تبصره المتعلمین، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۷۸. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، الفروق فی اللغة، بیروت: دارالآفاق الجدیده.
۷۹. علامه‌حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق)، تذکره الفقهاء، بیروت: مؤسسه آل‌البتی علیهم‌السلام لإحیاء التراث.
۸۰. فاضل‌جواد، جواد بن سعید (۱۳۶۵)، مسالک الافهام الی آیات الاحکام، چاپ دوم، تهران: مرتضوی.
۸۱. فاضل‌مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۳۷۳)، کنز العرفان فی فقه القرآن، دو جلد، چاپ اول تهران: مرتضوی.
۸۲. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، چاپ دوم، قم: هجرت.
۸۴. قرائتی، محسن (۱۳۹۰)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۸۵. قربانی، زین‌العابدین (۱۳۹۵)، اسلام و حقوق بشر، رشت، سلار.
۸۶. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لأحکام القرآن، تهران: ناصرخسرو.
۸۷. قطب‌راوندی، سعید بن هبه‌الله (۱۴۰۵ق)، فقه القرآن، قم: کتابخانه آیت‌الله العظمی‌مرعشی‌نجفی.
۸۸. کلانتری، علی‌اکبر (۱۳۷۴)، جزیه و احکام آن در فقه اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸۹. کیاهراسی، علی بن محمد (۱۴۲۲ق)، احکام القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۹۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، کافی، قم: دارالحدیث.
۹۱. ماوردی، علی بن محمد (بی‌تا)، الأحکام السلطانیة، قاهره: دارالحدیث.
۹۲. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

۹۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۶ق)، ملاذ الاخيار فی فهم تهذيب الاخيار، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۹۴. مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ق)، روضه المتقين، تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.
۹۵. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
۹۶. محقق، محمدباقر (۱۳۶۱)، نمونه بیّنات در شأن نزول آیات، چاپ چهارم، تهران: اسلامی.
۹۷. مرتضی، احمد بن یحیی (بی تا)، شرح الأزهار، منعاء، مکتبه غمضان.
۹۸. مشکینی، علی (۱۳۹۲)، رساله‌های فقهی و اصولی، قم: دارالحديث.
۹۹. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، التفسیر الکاشف، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۱۰۰. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۰ق)، المقنعه، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۰۱. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا)، زبده البیان فی احکام القرآن، تهران: مکتبه المرتضویه.
۱۰۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۰۳. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ق)، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.
۱۰۴. مؤمن قمی، محمد (۱۴۱۵ق)، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۰۵. نظام الاعرج، حسن بن محمد (۱۴۱۶ق)، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۰۶. واحدی، علی بن احمد (۱۴۳۴ق)، التفسیر البسیط، دمشق: دارالعماد للدراسات و البحوث القرآنیه.
۱۰۷. وجدانی فخر، قدرت الله (۱۳۸۴)، الجواهر الفخریه فی شرح الروضه البهیة، قم: سماء القلم.
۱۰۸. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶)، تفسیر راهنما، چاپ چهارم، قم: بوستان کتاب.
۱۰۹. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۴)، فرهنگ قرآن، قم: بوستان کتاب.
۱۱۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۲)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت عليهم السلام، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی مطابق مذهب اهل بیت عليهم السلام.

کتاب نامه اینترنتی

۱. سایت مدرسه فقاها، درس خارج فقه استاد علیرضا اعرافی، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۴/۲۴.
۲. <https://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/arafi/feqh/98/980910/>

